



تحلیل عاطفه غضب در خطبه‌های نهج البلاغه (بررسی موردی خطبه‌های سرزنش کوفیان)

مجتبی ترکاشوند^{۱*} و یحیی معروف^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳/۰۳/۱۳۹۷

تاریخ دریافت: ۱۳۰/۰۸/۱۳۹۶

چکیده

عاطفه از اساسی‌ترین عوامل پیدایش یک اثر ادبی و شامل حالتهایی چون اندوه، شادی، امید و یأس، حیرت و تعجب، خشم و ترس، طرب و رغبت است که حادثه یا هر عمل دیگری را در ذهن هنرمند و ادیب ایجاد می‌کند و او می‌کوشد این حالات و تأثیرات ناشی از آن را چنان‌که خود احساس کرده به دیگران منتقل کند. در میان متون دینی، نهج البلاغه دارای خطبه‌هایی است که در حضور مردم و در مناسبت‌های مختلف ایراد شده است. در این میان خطبه‌هایی هستند که مخاطب با خواندن آن‌ها سرشار از اندوه و خشم می‌شود؛ به‌گونه‌ای که خود، آن حس را لمس می‌کند و این حس ناشی از هنرمندی خالق آن است. نتایج پژوهش حاضر که با روش توصیفی تحلیلی سامان یافته حاکی از آن است که عاطفه غضب در گزینش واژگانی با نظم‌آهنگ متناسب، تأثیر به‌سزایی داشته و امام(ع) در برون‌داد این عاطفه از تصویرگری هماهنگ با آن بهره برده و با تکیه بر روش‌های مختلف باعث شده که مخاطب با شنیدن این خطبه‌ها دستخوش همان حس و عاطفه مورد نظر شود.

کلیدواژه‌ها: امام علی(ع)، خطبه، عاطفه غضب، عراق، کوفه.

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه رازی کرمانشاه

۲. استاد گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه رازی کرمانشاه

*: نویسنده مسئول

۱. مقدمه

همان‌گونه که می‌دانیم هر متن ادبی دارای عناصر و ویژگی‌های خاصی است که آن را از یک متن غیرادبی متمایز می‌سازد و در واقع وجود این اجزا و چگونگی به‌کارگیری آن‌هاست که باعث اثرگذاری و احساس لذت هنری در مخاطب می‌شود؛ یعنی به هر اندازه یک ادیب به تناسب نوع اثری که عرضه می‌کند در به‌کارگیری این عناصر توانمند باشد، می‌توان کار ادبی او را در سطح عالی و ماندگار ارزیابی کرد و «این عنصر، به ادبیات صفت جاودانگی می‌بخشد» (الخفاجی، ۱۹۹۵: ۴۴). از دیدگاه ناقدان معاصر، عناصر ادبی را می‌توان در چهار عنصر خلاصه کرد: «عاطفه، خیال، معنی و اسلوب» (الشایب، ۱۹۹۴: ۳۱)؛ بنابراین در هر نوع از انواع ادبی، وجود این عناصر ضروری است؛ اگر چه در هر اثری بسامد این عناصر با توجه به طبیعت آن، متفاوت است (عتیق، ۱۹۷۲: ۹۷).

کتاب نهج‌البلاغه به اذعان بسیاری از علما و ادبا علاوه بر دارا بودن بسیاری از معارف اخلاقی، دینی و علمی، از لحاظ ادبی نیز جایگاه ویژه‌ای در میان متون عربی اسلامی دارد. بخش قابل‌توجهی از این کتاب خطبه‌هایی است که امام (ع) در حضور مردم بیان داشته‌اند. از مهم‌ترین عوامل زیبایی‌شناختی این خطبه‌ها، عنصر عاطفه است. عاطفه حالتی چون اندوه، شادی، امید و یأس، حیرت و تعجب، خشم و ترس، طرب، رغبت و دیگر احساسات است که از اساسی‌ترین عوامل پیدایش یک اثر ادبی محسوب می‌گردد (سید قطب، ۱۹۹۰: ۱۴۴) و «واکنشی احساسی است که نهاد بشری در قبال حادثه، منظره و یا موقعیتی تأثیرگذار از خود نشان می‌دهد» (تونجی، ۱۹۹۹: ۶۱۲). هر حادثه یا کنشی در ذهن ادیب احساسی ایجاد می‌کند و او می‌کوشد تا این عواطف و تأثیرات ناشی از آن را چنان‌که خود احساس کرده، به دیگران نیز انتقال دهد. این عنصر، به ادبیات صفت جاودانگی می‌بخشد (الخفاجی، ۱۹۹۵: ۴۴).

۱-۱. بیان مسئله

نهج‌البلاغه کتابی است که جاحظ، صاحب آن را پیشوای خطیبان عرب می‌داند (البیان و التبیان، به نقل از: جعفری، ۱۳۸۰: ۹). ابن‌ابی‌الحدید آن را برتر از کلام بشر و کمتر از کلام خالق می‌داند (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۲۸: ۱/۱۶). در نهج‌البلاغه با خطبه‌هایی روبه‌رو می‌شویم که در نكوهش مردم کوفه و عراق آمده است. یکی از چالش‌های حکومت علی پس از عهده‌دار شدن رهبری جامعه اسلامی، سرکشی و تمرد مردم عراق و کوفه بود که حضرت بارها در برخی خطبه‌ها از این امر به ستوه آمده و همین امر موجبات خشم و غضب ایشان را فراهم کرده است، به‌گونه‌ای که می‌توان این عاطفه و احساس را در خطبه‌ها به وضوح حس کرد. البته این عاطفه؛ یعنی خشم، در وجود آن حضرت به‌عنوان امام معصوم یک امر عجیب نیست؛ زیرا این عاطفه در وجود هر انسان عادی اگر به‌خاطر احقاق حق و جلب رضایت خداوند و خشم به‌خاطر کفار و دشمنان باشد یک امر مقدس است. این خشم و غضب امام گاه نسبت به شخص خاصی است، مثلاً آن‌جا که در مورد عمرو بن عاص خشم خود را در قالب ذم و هجا بیان می‌دارد:

«عَجِبًا لِابْنِ النَّبِغَةِ! يَزْعُمُ لِأَهْلِ الشَّامِ أَنَّ فِيَّ دُعَابَةً...» (خطبه/۸۴) در شگفتی از پسر نابغه (فرزند آن زن نابکار) به شامیان می‌گوید که من بسیار مزاح می‌کنم و مردی شوخ طبعم... این نکوهش گاه در مورد یک جمع خاص بوده است، مانند نافرمانی و سستی مردم عراق، به‌ویژه کوفیان که در این پژوهش به بررسی و تحلیل مورد دوم می‌پردازیم.

۱-۲. پیشینه پژوهش

کتاب نهج البلاغه که ارزش معنوی و ادبی والایی دارد، تاکنون از زوایای مختلف و با هدف فهم مفاهیم اخلاقی، توحیدی و دینی مورد بررسی واقع شده و همه اینها نشان از جایگاه بلند آن دارد. در کتاب‌های نقدی، عاطفه یکی از مهم‌ترین و از نشانه‌های جاودانگی اثر ادبی یاد شده است و به برخی از ویژگی‌های این عنصر مهم اشاره شده است. در برخی از مقالات نیز به بررسی عنصر عاطفه از زوایای مختلف پرداخته شده است. خلیل باستان در مقاله «عناصر العاطفه فی نهج البلاغه» به بررسی این عنصر، البته با تکیه بر تأثیرگذاری و برانگیختن احساسات و عواطف علماء، ادبا و شخصیت‌های بزرگ در هنگام خواندن این اثر پرداخته است. عاطفه رحمانی و احمد پاشازانوس در مقاله «بررسی زیبایی‌شناسی عناصر ادبی خطبه ۲۲۴ نهج البلاغه» بیشتر به بررسی زیبایی‌شناختی همین خطبه با اشاره‌ای گذرا به سه نوع از انواع عاطفه (فخر، ترس، هجو) پرداخته‌اند.

این مقاله با محور قراردادن عاطفه ادبی به‌عنوان یکی از نشانه‌های جاودانگی اثر ادبی، به بررسی عاطفه غضب در خطبه‌های سرزنش کوفیان از سوی امام علی(ع) پرداخته است و از طرفی رویکرد هیچ‌یک از پژوهش‌های یاد شده منطبق با موضوع مقاله حاضر نبوده و همچنین در خصوص تأثیرگذار بودن عاطفه غضب بر دیگر عناصر ادبی (موسیقی، اسلوب، تصویرسازی) پژوهش مستقلی صورت نگرفته است.

۱-۳. ضرورت و اهمیت پژوهش

همان‌طور که گفته شد، از میان عناصر ادبی، عنصر عاطفه از اساسی‌ترین عناصر پیدایش یک متن ادبی است و با عنایت به ارزشمند بودن کتاب نهج البلاغه و دخیل بودن عاطفه در تنیده شدن تار و پودش، بنابر جستجویی که در این زمینه صورت گرفت تاکنون تحقیقی مستقل که به غضب به‌عنوان یکی از حالات عاطفی در اثر ادبی و تأثیرگذاری آن بر دیگر عناصر ادبی در نهج البلاغه پرداخته باشد، صورت نگرفته است. ضروری است این عنصر که نمود بالایی در نهج البلاغه دارد، مورد بررسی قرار گیرد. این پژوهش می‌تواند خوانش جدیدی از نهج البلاغه و به‌ویژه خطبه‌های آن باشد و راه را برای بررسی و تحقیق بیشتر بر روی دیگر عناصر عاطفه برای پژوهشگران فراهم نماید. پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به این پرسش‌های اساسی است که آیا عاطفه غضب، با دارا بودن بسامد بالا (در خطبه‌های مربوط به کوفیان) بر دیگر عناصر (موسیقی واژگان، اسلوب کلامی و تصویرگری) تأثیر داشته است؟ آیا مخاطب با خواندن این

عبارات به همان حس عاطفی دست می‌یابد؟ آیا این همه غضب، به خاطر مسائل فردی بوده یا یک عاطفه جمعی است؟

بر این اساس، در این مقاله به روش توصیفی - تحلیلی خطبه‌های نکوهش کوفیان مورد بررسی قرار گرفته تا مشخص گردد که عاطفه غضب تا چه حد توانسته بر دیگر عناصر ادبی تأثیر بگذارد و آیا این تأثیرات توانسته است همان عاطفه را به مخاطب انتقال دهد؟ و آیا این همه خشم به خاطر مسائل و منافع شخصی بوده یا یک عاطفه جمعی و از نوع خشم مقدس بوده است؟

۲. بحث

۲-۱. عاطفه غضب

ابن منظور ذیل واژه غضب چنین آورده است: «الغضب: تقيض الرضا. وقد غضب عليه غضباً ومغضباً» (ابن‌المنظور، ۱۴۱۴: ۱/۶۴۸). جرجانی در کتاب التعريفات می‌گوید: «غضب عبارت است از دگرگونی حاصل از جوشش خون در قلب است که به دنبال آن دل آرام می‌گیرد» (الجرجانی، ۱۹۸۳: ۱۶۲). در لغت‌نامه دهخدا نیز کلمه «غضب» به معنای خشم گرفتن آمده است (دهخدا، ۳۲/ذیل ماده غضب). هلن انیل در تعریف جامعی از خشم آورده است:

«خشم یک واکنش هیجانی نسبتاً قوی است که در انواعی از موقعیت‌ها (حقیقی یا خیالی) همانند به بند کشیده شدن، مداخله بی‌مورد دیگران، ربه‌شدن متعلقات و مورد تهدید یا حمله واقع شدن ظاهر می‌گردد و با برانگیختگی فیزیولوژیک و افکار ستیزه‌جویانه همراه است و اغلب رفتارهای پرخاشگرانه به دنبال دارد» (الهی و دیگران، ۱۳۹۲: ۳۳).

با وجود این که اسلام در بسیاری از موارد خشم را نکوهش و به فروخوردن آن سفارش نموده، اما در مواردی هم خشم را یک امر پسندیده و مقدس تلقی نموده است. در این زمینه می‌توان به آیاتی از قرآن اشاره کرد که حتی خشم را به خداوند نسبت داده است. آیه ۱۰۶ سوره نحل می‌فرماید: ﴿مَنْ كَفَرَ بِاللَّهِ مِنْ بَعْدِ إيمَانِهِ إِلَّا مَنْ أُكْرِهَ وَقَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإيمَانِ وَ لَكِنْ مَنْ شَرَحَ بِالْكُفْرِ صَدْرًا فَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ مِّنَ اللَّهِ وَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾ و هر که از پس ایمان آوردنش منکر خدا شود، نه آن که مجبور شده و دلش به ایمان قرار دارد، بل آن که سینه به کفر گشاید، غضب خدا بر آن‌ها باد و عذابی بزرگ دارند (معماری و زمردی، ۱۳۹۴: ۱۱۹). امام علی(ع) در این زمینه می‌فرماید: پیامبر(ص) به خاطر دنیا هیچ‌گاه خشمگین نمی‌شد ولی هرگاه برای حق غضب می‌کرد، احدی را نمی‌شناخت و خشمش فرو نمی‌نشست تا آن که حق را یاری کند و خشمش تنها برای خدا بود» (فیض کاشانی، ۱۳۳۹: ۳۰۳/۵). همچنین در حکمت ۱۷۴ می‌فرماید: «مَنْ أَحَدَّ سِنَانَ الْغَضَبِ لِلَّهِ قَوِيٌّ عَلَى قَتْلِ أَشِدَّاءِ الْبَاطِلِ» آن کس که دندان خشم در راه خدا بر هم فشارد، بر کشتن باطل‌گرایان توانمند گردد.

خطبه‌های نهج البلاغه تأثیر شگرفی بر مخاطب دارند، به این صورت که «امام(ع) به تدریج عواطف را برانگیخته و فکر و عاطفه و تصویر را آنقدر اوج می‌دهد تا به اوج انفجار برساند» (الفخوری، ۱۹۸۶: ۳۵۳). از مشخصه اصلی خطبه‌ها، بهره‌گیری از عاطفه‌ای است که در جان‌ها نفوذ و باعث تحریک سپاهیان در هنگامه‌های نبرد و موقعیت‌های گوناگون می‌شود.

۲-۲. عاطفه غضب و موسیقی واژگان

واژه‌ها عناصر بسیار مهمی هستند که هیأت هر اثر ادبی را تشکیل داده و علاوه بر ارتباط مستقیمی که با معنی دارند، از نظر وزن و آهنگ هم متفاوتند. از دیدگاه صادق رافعی، موسیقی صوت و کلمه به‌طور طبیعی بر هر فرد اثر می‌گذارد، چه معنای آن را بدانند، چه ندانند (الرافعی، ۱۹۷۳: ۲۱۷). «با در نظر گرفتن ارتباطی که عاطفه با صوت، صوت با موسیقی و موسیقی با عاطفه دارد، می‌توان گفت که اگر قدرت موسیقی را در بیان و انتقال عواطف، با قدرت کلام که وسیله بیان عواطف و اندیشه‌های ناشی از آن است همراه کنیم به نتیجه‌ای مضاعف می‌رسیم» (پورنامداریان، ۱۳۷۴: ۳۳۹). از این رو طبیعی است که هر فرد در موقعیت‌های آرام از حروف بی‌واک و در موقعیت‌های تهدیدآمیز از حروف تفخیم و با شدت استفاده می‌کند. در این راستا می‌توان به نظم آهنگ به‌کار رفته در قرآن کریم اشاره کرد که در حقیقت موسیقی و نظم آهنگ آن نه تنها جدای از معنا نیست بلکه هماهنگ با مقصود و هم جهت با معنای آن است. «به‌عنوان مثال اگر این آیه از قرآن کریم را با دقت بخوانیم: ﴿قَالُوا يَا وَيْلَنَا مَن بَعَثَنَا مِن مَّرْقَدِنَا هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ وَصَدَقَ الْمُرْسَلُونَ﴾ (یس/۵۲). موسیقی و نظم آهنگ حاصل از تکرار حرف مد «الف» که هشت بار آمده، القاکننده نوعی موسیقی اندوهناک و حزین در نفس مخاطب است؛ زیرا مضمون این آیه در رابطه با حسرت‌خوردگان روز قیامت است و این جرس و موسیقی حروف در ترکیب با دیگر حروف باعث برانگیختن همان احساس در مخاطب می‌شود و این تعبیری است که معنا را قوت می‌بخشد» (سلیمی، ۱۳۸۷: ۷۵).

موسیقی حاصل از تکرار و بسامد بالای الف مدی در خطبه ۲۷ را می‌توان برآمده از غم و اندوهی درونی امام دانست زیرا این خطبه را زمانی ایراد فرمودند که خبر حمله لشکر معاویه به شهر انبار به آن حضرت رسیده اما مردم برای جهاد حرکت نکردند... «انتهی إلى علی(ع) أن خیلا وردت الأنبار لمعاوية فقتلوا عاملا له یقال له حسان بن حسان - فخرج مغضبا یجر رداءه حتى أتى النخيلة و اتبعه الناس» (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۲۸: ۵۵/۲). این چنین بود که امام برآشفته و چنین فرمودند:

«يَا أَشْبَاهَ الرَّجَالِ وَلَا رِجَالَ خُلُومِ الْأَطْفَالِ وَعُقُولُ رَبَّاتِ الْحِجَالِ لَوَدِدْتُ أَنِّي لَمْ أَرُكُمْ وَلَمْ أَعْرِفْكُمْ مَعْرِفَةً»

(خطبه/۲۷). ای مرد نمایان نامرد! ای کودک‌صفتان بی‌خرد که عقل‌های شما به عروسان پرده‌نشین شباهت دارد! چه قدر دوست داشتم که شما را هرگز نمی‌دیدم و هرگز نمی‌شناختم.

با دقت در نظم‌آهنگ حاصل از تکرار «الف» مدّی که هشت بار تکرار شده، نوعی موسیقی اندوهناک برآمده از غضب و خشم بر مردم و به‌ویژه کوفیان را به مخاطب القا می‌کند، گویی خود در آن موقعیت حاضر و ناظر است.

در خطبه ۶۹ نیز همین هماهنگی حاصل از تکرار الف مدی را که ۹ بار تکرار شده، می‌توان دید: «كَمْ أَدَارِكُمْ كَمَا تُدَارَى الْبَكَارُ الْعَمِدَةُ، وَالنِّيَابُ الْمَمْدَاعِيَّةُ! كُلَّمَا حِيصَتْ مِنْ جَانِبٍ تَهْتَكُ مِنْ آخَرٍ» چه مقدار با شما کوفیان مدارا کنم؟ چونان مدارا کردن با شتران نو باری که از سنگینی بار پشتشان زخم شده‌است و مانند وصله زدن جامه فرسوده‌ای که هرگاه از جانبی آن را بدوزند، از سوی دیگر پاره می‌گردد؟ نوعی دیگر از نظم‌آهنگ مرتبط با عاطفه غضب، واژگانی با موسیقی تند و خشن است. در هر واژه‌ای، حرکات؛ مد؛ نوع صفات و مخارج حروف و دیگر مؤلفه‌ها در تغییر آهنگ کلمات و افاده‌بخشی معنایی خاص، تأثیر دارند. همان‌طور که در بحث صفات حروف در کتب مختلف آواشناسی آمده، حروف «کاف و تاء» و به نوعی تشدید (که حاصل یک ساکن و یک متحرک است) از حروف دارای صفت شدت محسوب می‌شوند. ابن‌جنی در مورد این حروف چنین گفته است: «حروف تقسیم دیگری دارند که مشتمل بر شدت، سستی و حالتی بینابین است. شدت دارای ۸ حرف یعنی «اجدت طبقک» است (ابن جنی، ۱۴۲۱: ۷۵/۱) و در مورد صفت شدت گفته است: «حرف شدید همان حرفی است که نمی‌گذارد صدا در آن حرکت کند» (همان). از این روی حروف یاد شده به نحوی ادا می‌شوند که حالتی انفجاری داشته و این صفت می‌تواند متناسب با موقعیت‌هایی برای القای غلیان‌ها و اندوه‌های درونی برآمده از خشم، باشد.

ابوالفضل خوش‌منش در بخشی از مقاله خود در زمینه نظم‌آهنگ قرآن، چنین آورده است:

«در سوره همزه که سخن از تحطیم و خردکنندگی خاطیان دارد - خاطیانی که همواره با چشم و زبان خود در پی خرد کردن و تحقیر بندگان بوده‌اند - تشدیدهای فراوان، پرده گوش را می‌کوبند. هرچند تشدید هم از ترکیب حرف ساکن پدید می‌آید، لکن هیچ‌گونه نمودی از سکون و آرامش وجود ندارد. شمار تشدیدهای این سوره به ۱۴ مورد می‌رسد» (خوش‌منش، ۱۳۹۴: ۱۹۵).

او همچنین در مقاله‌ای دیگر که در بخشی از آن به بررسی ضرب‌آهنگ سوره طلاق پرداخته، آهنگ واژگان آن را بسیار سنگین خوانده و ضرب‌آهنگ تشدید را که به ۱۱۳ مورد می‌رسد، در القای معنا و مضمون مورد اشاره خداوند متعال تأثیرگذار می‌داند؛ زیرا مضمون این سوره در مورد مبعوض‌ترین حلال خداوند است، لذا می‌طلبد که از شدت خاصی برخوردار باشد (خوش‌منش، ۱۳۷۷: ۳۸). همین امر را می‌توان در حالات و رفتار مردم در زندگی روزمره دید؛ زمانی که فردی در مواجهه با موضوعی به خشم می‌آید، کلامش ضرب‌آهنگی شدید و تند دارد و در مقابل، فردی که می‌خواهد در یک موقعیت آرام و عاطفی، مثلاً با یک کودک مهربانی کند، از واژگانی با ویژگی نرم و ملایم بهره می‌گیرد. در خطبه ۱۳۱

می‌خوانیم:

«أَيُّهَا النَّفُوسُ الْمُخْتَلِفَةُ وَالْقُلُوبُ الْمُتَشَتِّتَةُ الشَّاهِدَةُ أَبَدًا لَهُمْ» (خطبه/۱۳۱).

با دقت در واژگان این عبارت با موسیقی خاص تکرار تشدید مواجه می‌شویم. این ضرب‌آهنگ انفجاری همراه با گرفتگی در تلفظ می‌تواند دلالت بر حالات نفسانی و عاطفه درونی متناسب با غضب و خشم باشد. اوج به‌کارگیری تشدید در این عبارت از خطبه ۱۲۱ آمده است:

«اللَّهُمَّ قَدْ مَلَأْتُ أَطْبَاءَ هَذَا الدَّاءِ الدَّوِيِّ، وَكَلَّتِ النَّزْعَةُ بِأَشْطَانِ الرَّكِيِّ» (خطبه/۱۲۱).

در این عبارت ۱۱ بار تشدید تکرار که موسیقی حاصل از آن، مقدار غضب و اندوه درونی امام را از مردمی نشان می‌دهد که دیگر از آنان ناامید و به شدت عصبانی است و این عاطفه و حس درونی که بر لباس و پوشش الفاظ نمایان شده، خود را در قالب موسیقی واژگان و تندی و شدتی که در تکرار تشدیدهاست، به مخاطب القا می‌کند. با دقت در مضمون این عبارت می‌بینیم که امام (ع) چگونه موضوع تفرقه و عدم اتحاد و هم‌دلی بین مردم را با حالتی از خشم و عصبانیت به آن‌ها انتقال می‌دهد. او که خود تربیت یافته مکتب قرآن و پیامبر (ص) است، با ظرافت و دقت فراوان واژگان را متناسب با معنا برمی‌گزیند. در خطبه ۱۳۱، ایشان واژه «الْمُتَشَتِّتَةُ» را صفت برای قلوب برگزیده است؛ واژه‌ای که با دارا بودن حرف «شین» متصف به صفت تفتشی (انتشار هوا در دهان هنگام تلفظ حرف شین)، به نوعی با معنای «پراکندگی» هم‌خوانی دارد. ناگفته نماند که ما وقتی از دلالت موسیقی حروف بر معنا بحث می‌کنیم باید به ترکیب آن حروف در کنار هم و موقعیت و جو حاکم بر ایراد سخن توجه داشته باشیم، وگرنه ممکن است این حرف در جایی دیگر و در ترکیب با کلمه‌ای دیگر معنایی متفاوت را القا نماید.

تکرار حرف «کاف» با دارا بودن صفت شدت در این عبارت: «كَمْ أَدَارِيكُمْ كَمَا تُدَارِي الْإِكْرَارُ الْعَمِيدَةَ، وَالثِّيَابُ الْمُنْدَاعِيَةَ! كُلُّمَا حِيصَتْ مِنْ جَانِبٍ تَهْتَكَتْ مِنْ آخَرَ» (خطبه/۶۹)، نوعی شدت برآمده از عاطفه در این واژگان را به مخاطب انتقال می‌دهد؛ زیرا حرف کاف نیز در هنگام تلفظ با گرفتگی و حبس نفس و هنگام خروج حالت انفجاری دارد و این حالت کاملاً متناسب با غضب و خشم است.

با توجه به آنچه گفته شد می‌توان چنین گفت که در تلفظ این حروف، حالتی از حبس و خروج انفجاری و یک‌باره نفس وجود دارد که این ویژگی می‌تواند بهترین حالت را برای ساختار واژه‌های متناسب با گرفتگی‌های حالات روحی و عاطفی در بیان اندوه و غضب داشته باشد. لذا می‌بینیم که در این عبارت هشت بار حرف کاف تکرار شده تا بتواند حالت متناسب با معنای موردنظر را به مخاطب انتقال و مخاطب با خواندن آن‌ها همان عاطفه را در خود احساس کند و این دلیلی بر صدق عاطفه به‌کار رفته در عبارات یاد شده است.

۲-۳. عاطفه غضب و اسلوب متناسب با آن

از آنجا که خطبه یکی از روش‌های سخنرانی مستقیم و بدون واسطه با مخاطب است، لذا متکلم به‌واسطه آن، عاطفه درونی خود را مستقیماً به مخاطب انتقال داده و از این طریق عواطف خود را در قالب الفاظ و عبارات جاری می‌سازد و این خود نیازمند به‌کارگیری اسلوب‌های بیانی متناسب با موقعیت‌های گوناگون است. از این‌روی و نیز با توجه به این‌که «اسلوب، روش نگارش یا انشا یا طریقه انتخاب و ترکیب الفاظ

برای بیان معنای خاص به‌منظور توضیح و تأثیر آن‌هاست» (الشایب، ۱۹۹۴: ۴۴)، امام(ع) نیز در بیان عواطف خود از جمله غضب، نوعی هارمونی بسیار زیبا و متناسب با معنا و مقصود را برگزیده‌اند. می‌توان چنین تحلیل کرد که ایشان در این راه برای شروع فرایند (بیان غضب) ابتدا شیوه استعمال اسلوب ندا را متناسب با غرض خود بیان داشته و در ادامه، ضمن عتاب و وعید کوفیان، در نهایت آن‌ها را به شیوهٔ نفرین، مورد خطاب قرار می‌دهد.

۳-۲-۱. ندا

نوع خطاب‌ها و حروف به‌کار رفته در اسلوب منادا، زمینه‌ساز زیبایی سخن است و برای هدفی خاص از جمله بیان احساسات گوینده به‌کار می‌روند. متکلمی که از اسلوب ندا در کلام بهره برده، تنها ارسال‌کنندهٔ حروف منادا نیست بلکه این حروف بیان‌کننده احساسات و عواطف و افکار گوینده است. به همین خاطر به‌نفسه با مخاطب نزدیک یا دور (از لحاظ مکانی و منزلت اجتماعی)، ارتباط برقرار می‌کند. از مهم‌ترین تکیه‌گاه‌های کلامی خطبه‌های مرتبط با نکوهش کوفیان، شیوهٔ به‌کارگیری ساختار ندا است؛ اما در این خطبه‌ها امام، مخاطب یا مخاطبین خود را به شیوه‌های خاص و با توجه به فضا و مقام و منزلت آن‌ها مورد ندا قرار داده است. ما در این‌جا به کاربرد ندا به‌عنوان یک وسیلهٔ ارتباطی نگاه نمی‌کنیم، بلکه آن را از این جهت که وسیله‌ای برای بیان احساسات و افکار از گذشته‌های دور بوده، بررسی می‌کنیم.

همان‌طور که در کتب ادب آمده، حرف «یا» از میان ادات ندا با صدایی چسبیده به سینه و اعماق درون متمایز است و احساسات جوشان و پر از خوشحالی یا غم را تعبیر کرده و بیشتر برای ندای دور به کار می‌رود، اما گاهی «استعمال این حرف به خاطر غرضی بلاغی در غیر معنای اصلی خود به‌کار می‌رود. یکی از این اغراض که منادای نزدیک را به منزلهٔ منادای دور مورد خطاب قرار می‌دهند، پایین آوردن شأن و جایگاه مخاطب است» (عرفان، ۱۳۸۰: ۱۷۹/۱)؛ به‌عنوان مثال در آیه ۳۲ سوره حجر: ﴿قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا لَكَ أَلَّا تَكُونَ مَعَ السَّاجِدِينَ﴾ «خداوند ابلیس را با حرف ندای بعید «یا» مورد ندا قرار داده است تا بدین وسیله به علت سجده نکردن و امتناع از دستورات الهی شأن و مقام ابلیس را تحقیر کند» (کههدل جهرمی، علی‌نژاد و میرحق، ۱۳۹۰: ۷۷).

امام(ع) که بی‌تأثیر از کلام وحی نبوده از این اسلوب در عبارات خویش بهره برده و هدف و مقصود خود را از ورای آن نمایان ساخته و به خوبی عاطفهٔ خود را در آن جاری کرده‌است:

«يَا أَهْلَ الْعِرَاقِ فَإِنَّمَا أَنْتُمْ كَالْمَرْأَةِ الْخَامِلِ حَمَلَتْ فَلَمَّا أَمْلَسَتْ أَمْلَصَتْ وَمَاتَ قَيْمُهَا وَطَالَ تَأْيُمُهَا وَوَرَّثَهَا أَبْعَدُهَا»

(خطبه/۷۱ و ۱۳۵). ای مردم عراق! همانا شما به زن بارداری می‌مانید که در آخرین روزهای بارداری جنین خود را سقط کند و سرپرستش بمیرد و زمانی طولانی بی‌شوهر مانده و میراث او را خویشاوندان دور غارت کنند.

این خطبه از جمله خطبه‌هایی است که امام(ع) بعد از جنگ صفین در سرزنش آن‌ها بیان فرمودند که چرا از پیروزی قریب‌الوقوعی که در چند قدمی شما بود استقبال نکرده و کار را ناتمام گذاشتید و... رهبر

جامعه اسلامی را بنگرید که گرفتار چنین یارانی شده که فرمان بردار رهبر خود نبوده به گونه‌ای که شعله‌های خشم و غضب را در ایشان برافروختند. همین عاطفه باعث شد تا مخاطبان پیش‌روی خود را به منزله دور پنداشته و برای فرود آوردن جایگاه و شأنشان، آن‌ها را با حرف ندای «یا» مورد خطاب قرار دهد. این را می‌توان در هنگام تشبیه آن‌ها به زنان حامله دریافت، البته باز جایگاهی کمتر از زن حامله عادی؛ زیرا آن‌ها را به زنان حامله‌ای تشبیه می‌کند که روزهای آخر بارداری توانایی نگه‌داشتن جنین خود را نداشته و آن را سقط می‌کند. لذا می‌بینیم که چگونه امام با آن علم بی‌پایان خود اسلوب‌های بیان را در آفرینش عبارات ادبی متناسب با حال و احوال درونی خود به کار برده است.

از دیگر موارد به‌کارگیری اسلوب ندا که از غرض اصلی خود خارج شده و در جهت اظهار تنفر و خشم نسبت به امت خیانت‌کار به کار رفته است، خطبه ۲۷ است: «يَا أَشْيَاءَ الرِّجَالِ وَلَا رِجَالَ خُلُومِ الْأَطْفَالِ وَعُقُولَ رِيَاءِ الْحِجَالِ...» در این مثال مشخص می‌شود که حضرت به چه میزان از افراد منافق به تنگ آمده که حتی از بیان نام آن‌ها اجتناب کرده و با وجود نزدیک بودنشان، آن‌ها را با حرف منادای دور مورد خطاب قرار می‌دهد. با دقت در اسلوب ندای به‌کار رفته در این عبارت می‌توان چنین دریافت که اسلوب ندا صرفاً در معنای حقیقی نبوده، بلکه عاطفه غضب حاکم بر روح و روان امام (ع) موجب شده تا آن‌ها را با چنین اسلوبی مورد خطاب قرار دهد.

۲-۳-۲. وعید و عتاب

از جمله مسائل روان‌شناختی مرتبط با غضب این‌که رفتارهایی که معمولاً افراد به هنگام خشم و غضب از خود بروز می‌دهند، تهدید مخاطب خود به یک عمل ناخوشایند است که دامنگیر آن‌ها در آینده خواهد شد و در ارتباط با عاطفه غضب در ادبیات، آن را می‌توان تحت عنوان وعید و عتاب بررسی کرد. در این بخش به بررسی این اسلوب در خطبه‌ها می‌پردازیم.

امام (ع) در خطبه ۵۶ آن‌چنان از دست مردم هم‌عصرش به خشم آمده که به آن‌ها سرانجامی بد و آینده‌ای شوم را وعده می‌دهد:

«وَأَيْمُ اللَّهِ لَتَحْتَلِكُنَّهَا دَمًا، وَكَلْتَبِعُنَّهَا نَدْمًا!» (خطبه/۵۶).

به خدا سوگند، شما هم‌اکنون از سینه شتر خون می‌دوشید و سرانجامی جز پشیمانی ندارید. با دقت در زیبایی‌های ادبی به‌کار رفته در اسلوب کلامی می‌بینیم که امام (ع) چگونه این جنبه از خشم خویش را در قالب وعید آورده است. ایشان حکومت را به شتری تشبیه کرده که به‌خاطر دوشیدن بی‌رویه و یا به‌خاطر عفونت پستان، به‌جای شیر، خون از آن می‌چکد؛ یعنی نتیجه معکوس می‌دهد. این در حالی است که چنین مردمی به‌خاطر نافرمانی‌های مکرر به چنان بلایی دچار خواهند شد که به‌جای شیر، خون را که مایه مسمومیت و فساد است، می‌نوشند و سرانجامشان نیز همین‌گونه شد و طبق پیشگویی و وعیدی که امام به آن‌ها داد، ظالمانی حکمفرما شدند که جگر آن‌ها را خون کردند. در خطبه‌ای دیگر از

نهج البلاغه، امام با آمیختن عاطفه غضب در قالب اسلوب، کنایه‌وار مصیبت‌ها و رنج‌هایی را که جامعه نافرمان دچار آن خواهند شد، به زیبایی نمایش می‌دهد:

«أَمَّا إِنَّكُمْ سَتَلْقَوْنَ بَعْدِي ذُلًّا شَامِلًا، وَسَيْفًا قَاطِعًا، وَأَثْرَةً يَتَّخِذُهَا الظَّالِمُونَ فِيكُمْ سُنَّةً...» (خطبه/۵۸).

آگاه باشید! به زودی پس از من، به خواری و ذلت گرفتار می‌شوید و شمشیر برنده بر شما مسلط می‌گردد.

به‌کارگیری عبارت «و سیفا قاطعا» کنایه از حکم‌فرمایی استبداد و حکومت جور پس از امام است و آن‌ها را وعده به گرفتار شدن و عذاب سخت می‌دهد.

در خطبه ۹۳، امام همین اسلوب وعید را که برآمده از عاطفه خشم و غضب است، با وعده سرکار آمدن حکومت امویان به مخاطبان‌شان نشان می‌دهد و این‌که مردم زیر استبداد و زورگویی‌های حاکمان آن‌ها خرد می‌شوند. لذا باز امام برای نمایش شدت این حادثه و پیشگویی، افکار و معانی موردنظر خویش را با ریختن در قالب تشبیه، به تصویر می‌کشد تا مخاطب را همراه و هم‌گام با خویش کند و برای درک ملموس‌تر این واقعه به پیش برد، لذا حاکمان آینده را چنین به تصویر می‌کشاند:

«وَإِنَّمُ اللَّهُ لَتَجِدَنَّ بَنِي أُمِّيَّةٍ لَكُمْ أَرْبَابَ سُوءٍ بَعْدِي، كَالثَّالِثِ الضُّرُوسِ: تَعْدُمُ بِفِيهَا، وَتَحِطُّ بِبِدِّهَا، وَتَزِينُ بِرِجْلِهَا،

وَتَمْنَعُ دَرَّهَا» به خدا سوگند بنی‌امیه بعد از من برای شما زمامداران بدی خواهند بود. آنان چونان شتر سرکشی که دست به زمین کوبد و لگد زند و با دندان گاز گیرد و از دوشیدن شیر امتناع ورزد.

تصویر وعده سخت و هولناک امام در این عبارات، دقیقاً متناسب و هماهنگ با محیط و شرایط زیستی و زندگانی آن‌هاست، طوری‌که این حالت یعنی تشبیه خصوصیات و حالات شتر در هنگام عصبانیت برای آن‌ها کاملاً ملموس است ایشان در قالب وعید و با استفاده از تصویرگری زیبا عواقب شوم کار آن‌ها و گرفتار شدنشان به ستم امویان را به‌گونه‌ای ترسیم می‌کند که هم خواننده این خطبه‌ها و هم مخاطبینش را با این عاطفه همراه می‌کند، اما آنچه با دقت در عاطفه حاکم در این عبارات می‌توان یافت این‌که این‌ها، گرچه در نگاه اول عواطفی فردی جلوه می‌نماید اما در حقیقت جلوه‌گر دغدغه‌های امام از حکومت و مردم است که عاطفه‌ای انسانی و جمعی را نمایان می‌سازد.

«لَيْسَلَطَنَّ عَلَيْكُمْ غُلَامٌ ثَقِيفُ الدِّيَالِ الْمِيَالِ، يَأْكُلُ حَضْرَتَكُمْ، وَيُدْبِبُ سَحْمَتَكُمْ» (خطبه/۱۱۶).

آگاه باشید، به خدا سوگند پسری از طایفه ثقیف (حجاج بن یوسف) بر شما مسلط می‌گردد که هوس‌باز و گردن‌کش و ستمگر است، سبزه‌زارهای «اموال و دارایی‌ها» شما را می‌چرد و چربی شما را آب می‌کند.

امام (ع) در این عبارت آن‌ها را به فتنه‌های سهمگین «حجاج» وعده داده و گوشه‌ای از جنایت‌های او را برمی‌شمرد. همین موضوع، اسلوب و روشی برای برون‌داد خشم و غضب نیز هست. البته این‌همه خشم و عصبانیت و ناراحتی امام از این جهت بوده است تا شاید مردم بیدار شده و با توبه به درگاه خداوند و

بازگشت به وحدت و ترک اختلافات و سستی‌ها جلوی جنایات او را بگیرند. امام(ع) از اسلوب عتاب نیز برای بروز خشم و غضبش استفاده می‌کند:

«أَبْعَدَ إِيمَانِي بِاللَّهِ وَجِهَادِي مَعَ رَسُولِ اللَّهِ (ص) أَشْهَدُ عَلَى نَفْسِي بِالْكَفْرِ!» (خطبه/۵۸).

آیا پس از ایمانم به خدا و جهاد کردنم در رکاب رسول خدا(ص) به کفر خویش گواهی دهم؟

۲-۳-۳. نفرین

انسان به‌طور طبیعی نسبت به خوبی‌ها و زیبایی‌ها واکنش مثبت نشان می‌دهد و با دیدن آن‌ها خوشحال و شاداب می‌شود، چنان‌که بدی‌ها و زشتی‌ها را ناخوش می‌دارد و از دیدن آن‌ها غم و اندوه بر سیرت و سیمایش نمایان می‌گردد. نفرین آخرین مرحله واکنش انسان در هنگام غضب است و به معنای دعا بر زبان کسی است، چنان‌که خداوند متعال می‌فرماید: ﴿تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَتَبَّ﴾ (تبت/۱). بریده باد هر دو دست ابولهب (و مرگ بر او باد). لعن از ناحیه خداوند متعال به معنای دور ساختن از رحمت خویش در دنیا و در آخرت و عذاب و عقوبت الهی است و از ناحیه بندگان نیز لعن و نفرین در واقع همان دعا به ضرر و بر ضد دیگران است (اصفهانی، ۱۴۱۲ هـ: ۷۴۱/۱). ﴿أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ﴾ (هود/۱۸). مؤمنان نیز به پیروی از خداوند و پیامبران لازم است تا نفرین را روشی برای مبارزه با هرگونه اعتقادات و رفتارهای ضدحق و هنجارها و ارزش‌ها بدانند. امام در سال ۴۰ هـ سحرگاهی که ضربت خورد و آن زمان که تنها و بی‌یاور شده بود، در حالی که خواب چشمان مبارکش را گرفته بود، در عالم رؤیا و خواب پیامبر(ص) را دیدند و همچون گذشته که غم‌ها و رنج‌ها و مشکلاتش را با پیامبر که حکم‌پدیری بر ایشان داشت، در میان می‌گذاشت، خشم و اندوه و ناراحتی‌اش را از مردم زمانه با عباراتی سرشار از عاطفه بیان داشت که هر مخاطبی را متأثر می‌ساخت:

«يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَاذَا لَقِيتُ مِنْ أُمَّتِكَ مِنَ الْأَوْدِ وَاللَّدِيدِ؟» (خطبه/۷۰).

ای رسول خدا، از امت تو چه تلخی‌ها دیدم و از لجبازی و دشمنی آن‌ها چه کشیدم! در اینجا می‌بینیم که به قصد بیان اندوه و خشم خود از مردم برای رسول خدا، از ندا بهره برده و در نهایت پیامبر(ص) هم که می‌بیند چه غم و اندوه‌هایی بر امام گذشته می‌فرماید: «ادْعُ عَلَيْهِمْ»: نفرینشان کن!

آن‌چه در بررسی خطبه‌های نهج البلاغه خونمایی می‌کند این‌که امام(ع) سخت از یارانش به خشم آمده و آن‌ها را نفرین می‌کند. خطبه ۲۵ همان خطبه‌ای است که همزمان بود با حملات غارتگران شام به بخش‌های مختلفی از جهان که در این میان لشکریان امام نیز در مبارزه با آنان سستی می‌کردند، موضوعی که باعث خشم و در نهایت نفرین لشکریان از سوی امام شد:

«فَأَبْدَلْنِي بِهِمْ خَيْرًا مِنْهُمْ وَ أَبْدَلْتُهُمْ بِي شَرًّا مِنِّْي اللَّهُمَّ مَثْ قُلُوبَهُمْ كَمَا يُمَاتُ الْمَلْحُ فِي الْمَاءِ» (خطبه/۲۵).

در این عبارت می‌توان به‌وضوح دریافت که امام چگونه با بهره‌گیری از اسلوب نفرین، خشم و غضب برآمده از غم و اندوه درونی‌اش را نسبت به لشکریانش بیان داشته است.

سرزنش‌های امام(ع) در مورد این مردم بسیار زیاد بود اما این سرزنش‌ها نه تنها تغییری در رویه آن‌ها ایجاد نکرد بلکه روز به روز نافرمانی‌شان بیشتر می‌شد. از این‌رو امام از دست آن‌ها به ستوه آمده و در نهایت خشم، نفرینشان می‌کند: «أَفْ لَكُمْ لَقَدْ سَمِثُ عَتَابِكُمْ» (خطبه/۳۴).

«أَصَابِكُمْ خَاصِبٌ، وَلَا بَقِيَّ مِنْكُمْ آبَرٌ» (خطبه/۵۸). سنگ حوادث و بلا بر شما بیارد، چنان‌که اثری از شما باقی نگذارد!

در نهایت امر، امام(ع) که خود را از اصلاح آنان ناامید می‌بیند، این چنین زبان به نفرین آن‌ها می‌گشاید: «أَضْرَعُ اللَّهُ خُدُودَكُمْ، وَأَتَعَسَ خُدُودَكُمْ» (خطبه/۶۹).

خدا بر پیشانی شما داغ ذلت بگذارد و بهره شما را اندک شمارد.

در خطبه ۷۰ نیز می‌فرماید: «أَبْدَلَنِي اللَّهُ بِهِمْ خَيْرًا لِي مِنْهُمْ، وَأَبْدَلَهُمْ بِي شَرًّا لَهُمْ مِنِّي». خدا بهتر از آنان را به من بدهد و به جای من شخص بدی را بر آن‌ها مسلط گرداند.

امام پس از آن که شنید که سخنان ناروایی را به ایشان نسبت داده‌اند و او را دروغگو خوانده‌اند، ضمن ابراز خشم خود در قالب نفرین، چنین فرمودند: «قَاتَلَكُمُ اللَّهُ» (خطبه/۷۱)؛ و در نهایت، می‌فرمایند: «وَيْلٌ أُمَّهُ: مادرتان در سوگ شما زاری کند «وای، وای، سر دهد».

امام(ع) که با مردمانی این چنین روبرو بود، باز هم خشم خود را چنین القا می‌کند: «مُيِثُ مِنْكُمْ بِنَالِثٍ وَائْتِنَيْنِ: صُمُّ دُؤُؤِ أَسْمَاعٍ، وَبُكْمٌ دُؤُؤِ كَلَامٍ، وَعُمِّي دُؤُؤِ أَبْصَارٍ» (خطبه/۹۷). ای اهل کوفه گرفتار شما شده‌ام که سه چیز دارید و دو چیز ندارید: کره‌هایی با گوش‌های شنوا، گنگ‌هایی با زبان گویا، کورانی با چشم‌های بینا. امام باز هم آن قدر از این مردمان رنجور که دست به نفرین می‌زند: «تَرَيْتُ أَيْدِيَكُمْ»: تھی دست مانید. در جای دیگری می‌فرماید: «أَفْ لَكُمْ! لَقَدْ لَقِيتُ مِنْكُمْ بَرَحًا...» (خطبه/۱۲۵). نفرین بر شما چقدر از دست شما ناراحتی کشیدم.

۲-۴. عاطفه و خلق تصاویر ادبی (خیال)

خیال یا تصویر بدین معناست که ادیب یا هنرمند بتواند تجارب شخصی و عواطف گوناگون خود را در قالبی زیبا و شگفت و یا تعبیری جذاب و هنرمندانه عرضه کند. بدیهی است که این امر از عهده کسانی برمی‌آید که دارای قوه خیال نیرومند، موهبتی خدادادی، ذهنی کاشف، اندیشه‌ای نافذ، روحی لطیف و احساساتی رقیق باشند. «تصویر مولود قصور زبان و پیچیدگی تجربه و نیز محصول نیروی بیان است و کیفیتی در جمله است که موجب استحکام و روشنی و زیبایی و شکوه آن می‌شود» (فاضلی، ۱۳۷۶: ۱۷۸). از آن‌جا که وظیفه تصویرگری و تصویرپردازی در ادبیات بر عهده عنصر خیال است و به قول زمخشری: «خیال، تصویر حاصل در آینه است» (زمخشری، ۱۹۹۸: ۱/۲۷۵)، این عنصر در علم بیان و مباحث آن مانند: تشبیه، مجاز، استعاره و کنایه (به‌ویژه در تشبیه و استعاره) نمودی پویا و برجسته دارد. از این روی در این بخش از مقاله به تصویرگری متناسب با عاطفه غضب می‌پردازیم.

تشبیه یکی از جلوه‌های خیال است که امام(ع) در خطبه‌های سرزنش کوفیان بسیار از آن بهره برده‌اند و آن فرایندی است برای پیوند دو امر یا بیشتر در یک یا چند صفت با ادات مخصوص که ورای این فرایند، غرضی خاص از جمله بیان توضیح، ایجاد پیوند میان امور مختلف، مبالغه، ایجاز، تأکید و سایر موارد است، لذا در این بخش به ذکر نمونه‌هایی از آن می‌پردازیم که امام با ظرافتی خاص به گزینش آن‌ها پرداخته است.

یکی از تشبیهاتی که امام(ع) متأثر از قرآن کریم به‌وفور از آن بهره جسته، تشبیه کوفیان و یا اعمال آن‌ها به شتر است. «عرب‌ها در مورد شتر بیش از هر حیوان دیگری شعر سروده‌اند به‌طوری‌که ما کمتر قصیده‌ای را می‌بینیم که خالی از ذکر شتر باشد، چه مستقیم آن را توصیف کرده و یا این‌که حیوانات دیگری را بدان تشبیه کرده‌اند و این اهتمام خاص برگرفته از طبیعت زندگی آن دوره و از آن جهت که تنها وسیله عبور از صحراهای بی‌آب و علف و سخت بود و هیچ حیوانی را یارای عبور از آن‌ها نبود. از این‌رو می‌بینیم که شاعران گاه آن را مدار توصیف و گاه مدار تفاخر برشمرده و به نظم درمی‌آوردند» («الابل في القرآن و الأدب العربي»، معروف، ۱۳۸۴). شتر تنها حیوانی است که قرآن کریم با لحن توییح‌آمیزی، بشر را به مطالعه و تفکر در خلقتش ترغیب و او را به ویژگی‌ها و شگفتی‌هایی که در آفرینش این حیوان وجود دارد سوق می‌دهد. فرمانبرداری شتر به اندازه‌ای شهرت یافته که در روایتی از رسول خدا نقل شده است که فرمودند: «کن لربک کالجمل الأنف» (تستری، ۱۴۲۳: ۱۹۲). شتر با آن جثه بزرگ به فرمانبرداری معروف است و اگر ساربان آن‌ها کودکی باشد، باز از او فرمان می‌برند؛ اما این حیوان، اگر از ساربان خود دور شود، جمع کردن و کنترلش بسیار سخت است. از این‌رو می‌بینیم که امام(ع) با بهره‌گیری از عاطفه غضب، ابتدا از لحاظ تشبیه به حیوان و نیز به‌خاطر مناسبت و اشتراک در وجه شبه (حالت نافرمانی شتر و مردم کوفه)، مردم را به شترانی تشبیه کرده که ساربان از آنان دور گشته و به هیچ‌وجه نمی‌توان آن‌ها را جمع کرد و این تشبیه نزدیک‌ترین راه برای تصویرسازی متناسب با عاطفه غضب است که با ظرافت خاص و متناسب با محیط اعراب کوفه که با این منظره خو داشتند، پرداخته است و چنین زیبا فرموده‌اند:

«يَا أَشْيَاءَ الْإِبِلِ غَابَ عَنْهَا زَعَاتُهَا كُلَّمَا جُمِعَتْ مِنْ جَانِبٍ تَفَرَّقَتْ مِنْ آخَرَ» (خطبه/۹۷).

ای مردم! شما چونان شتران دور مانده از ساربان هستید، که اگر از سویی جمع‌آوری شوند از دیگر سو، پراکنده می‌گردند.

این تشبیه، تعبیری روشن از جهل و نادانی و عدم انضباط آن‌هاست. نخست آن‌ها را به حیوانات بدون صاحبِ نافذ الکلام تشبیه می‌کند. روشن است جمع کردن شتران به‌دست ساربان‌ها کار سهل و آسانی است اما آن‌ها به ندای هر کسی توجه ندارند. از این‌رو اگر فردی غیر از ساربان بخواهد آن‌ها را جمع کند، کار بسیار سخت و دشواری است. در جاهای دیگر نیز از همین روش و متناسب با عاطفه غضب، اعمال آن‌ها را به اعمال شتر تشبیه کرده تا هم تصویری واضح از آن موقعیت به مخاطب القا کند و هم به بیان عاطفه خود بپردازد. در خطبه ۶۹ چنین می‌فرماید:

كَمْ أَدَارِيكُمْ كَمَا تُدَارَى الْبِكَارُ الْعَمِدَةُ:

چه مقدار با شما کوفیان مدارا کنم؟ چونان مدارا کردن با شتران نو باری که از سنگینی بار، پشتشان زخم شده است.

در این تشبیه نشان داده شده است که آن‌ها افرادی راحت‌طلب بوده و مردمانی سست و ضعیف و تن‌پرور بار آمده‌اند، لذا می‌بینیم به شترانی تازه‌کار تشبیه شده‌اند که می‌خواهند برای اولین بار از آن‌ها بار کشیده شود، لذا پشت آن‌ها بسیار ظریف و آسیب‌پذیر است، چون اگر با تجربه و کارآزموده بودند، دیگر پشتشان زخم نمی‌شد. لذا امام(ع) بی‌لیاقتی و سستی آن‌ها را با ظرافت تمام بیان کرده و عاطفه خود را در تصویری زیبا برای مخاطب ترسیم نموده است.

اما وجه دیگری از تشبیه، با هدف تحقیر و کسر شأن مردم کوفه و عراق به کار برده شده است. امام(ع) در خطبه‌های ۷۱ و ۱۳۵ می‌فرماید:

«أَمَّا بَعْدُ يَا أَهْلَ الْعِرَاقِ فَإِنَّمَا أَنْتُمْ كَالْمَرْأَةِ الْحَامِلِ» (خطبه/۷۱ و ۱۳۵).

پس از ستایش پروردگار! ای مردم عراق! همانا شما به زن بارداری می‌مانید.

مردان دوران امام(ع) چقدر او را آزرده و در نافرمانی از امام و رهبر جامعه اسلامی و جانشین پیامبر طغیان کردند؟! همین باعث شده تا امام از دست ایشان به ستوه آید و ایشان را از جایگاه و شأن مردانگی پایین کشد و به جایگاه زنی حامله تشبیه کند که در روزهای آخر حاملگی نتواند جنین را به سلامت متولد کند، بلکه از این نیز پست‌تر! که نتوانسته کار را به انتها برساند. لذا در این تشبیه مخاطب می‌تواند نهایت تحقیر این مردمان را در شیوه تصویرسازی امام(ع) به خوبی لمس کرده و خشم غالب بر آن را احساس نماید. در جایی دیگر می‌فرماید:

«قَدْ انْفَرَجْتُمْ انْفِرَاجَ الْمَرْأَةِ عَنِ قُبْلِهَا» (خطبه/۹۷).

مانند جدا شدن زن حامله پس از زایمان از فرزندش، هر یک به سویی می‌گریزید.

در عبارتی دیگر از خطبه‌ها، امام با تصویرسازی بسیار زیبا مردان زمانه‌اش را که کارشان تنها عیش و نوش شده و دست از یاری رهبر خود برداشته‌اند، به عروسان حجله‌نشین با همین ویژگی تشبیه کرده است:

«يَا أَشْيَاءَ الرِّجَالِ وَ لَا رِجَالَ خُلُومِ الْأَطْفَالِ وَ غُفُولُ رِيَّاتِ الْحِجَالِ لَوْدِدْتُ أَنِّي لَمْ أَرْكَمْ وَ لَمْ أَعْرِفْكُمْ مَعْرِفَةً»

(خطبه/۲۷).

ای مرد نمایان نامرد! ای کودک صفتان بی‌خرد! که عقل‌های شما به عروسان پرده‌نشین شباهت دارد!

چقدر دوست داشتم که شما را هرگز نمی‌دیدم و هرگز نمی‌شناختم.

«وَالثِّيَابُ الْمَتَدَاعِيَةُ! كُلَّمَا حَيَّصْتُ مِنْ جَانِبِ تَهْتَكْتُ مِنْ آخِرِ» (خطبه/۶۹).

چه مقدار با شما کوفیان مدارا کنم؟ چونان مدارا کردن با شتران نوباری که از سنگینی بار، پشتشان

زخم شده است و مانند وصله زدن جامه فرسوده‌ای که هرگاه از جانبی آن را بدوزند، از سوی دیگر پاره می‌گردد!

تشبیه مردان زمانه به بزغاله که این نهایت تحقیر در حق این مردمان ترسو بوده است:
 «أَطَارَكُم عَلَى الْحَقِّ وَأَنْتُمْ تَنْفِرُونَ عَنْهُ نُفُورَ الْمِعْزَى مِنْ وَغْوَعَةِ الْأَسَدِ» (خطبه/۱۳۱).
 من شما را به سوی حق می‌کشانم، اما چونان بزغاله‌هایی که از غرش شیر فرار کنند، می‌گریزید.

نتیجه‌گیری

۱. در مورد این پرسش تحقیق که آیا عاطفه غضب، با دارا بودن بسامد بالا در خطبه‌های مربوط به کوفیان بر دیگر عناصر (موسیقی واژگان، اسلوب کلامی و تصویرگری تأثیر داشته است؟ باید اذعان داشت که عاطفه به‌عنوان یکی از عناصر مهم ادبی که نقش جاودانگی در اثر ادبی را دارد، توانسته همین نقش را در نهج‌البلاغه ایفا کند و در این پژوهش نشان داده شد که عاطفه غضب نقش بسزایی در انتخاب واژگانی داشته است، چنان‌که موسیقی و نظم‌آهنگ متناسب با آن را داشته است، به‌گونه‌ای که امام با انتخاب واژه‌هایی با نظم آهنگ تند و انفجاری که برآمده از خشم و اندوه دورنی‌اش بوده، این عاطفه را در عبارات خود نشانده است. همچنین در این پژوهش نشان داده شد که اسلوب ادبی کاملاً متناسب با عاطفه غضب به‌کار رفته است، به‌گونه‌ای که در گزینش اسلوب‌های ندا این امر مراعات شده و با غرضی خاص از معنای اصلی خارج شده و در معنایی متناسب با غضب به‌کار رفته است و در این مسیر از انواع غضب؛ یعنی وعید و عتاب بهره‌گیری شده است. در ارتباط با تصویرگری نیز مشخص شد که تشبیهات به‌کار رفته در خطبه‌های مورد نظر متناسب با عاطفه غضب بود، زیرا جنبه تحقیر در آن‌ها ملموس‌تر بود.

۲. در این مورد که آیا مخاطب با خواندن این عبارات به همان حس عاطفی دست می‌یابد؟ باید اذعان کرد که خواننده با خواندن این خطبه‌ها تا بدان‌جا غرق در این عاطفه می‌شود که احساس می‌کند در همان جو قرار دارد و با تمام اعضا و جوارحش تمام آن حس را با ضرب‌آهنگ واژه‌های به‌کار گرفته شده در راستای معنای مورد نظر امام حس می‌کند.

۳. در مورد این پرسش که آیا این همه غضب به‌خاطر مسائل فردی بوده یا یک عاطفه جمعی است؟ آن‌چه به‌عنوان عاطفه غضب در این خطبه‌ها به‌کار رفته، از آن جهت که از سوی رهبر جامعه اسلامی که جانشین رسول خدا بود و سخنان و اعمال ایشان در ارتباط با مردم و امور حکومت اسلامی و در راستای مصالح و منافع حکومت اسلامی بود، لذا از یک عاطفه جمعی و انسانی تراویده است و عاطفه غضب به‌کار رفته، یک غضب و خشم مقدس است.

منابع

- قرآن کریم.
- ابن ابی الحدید. (۱۴۲۸). **شرح نهج البلاغه**. تحقیق: ابراهیم الانباری. الطبعة الأولى. بغداد: دارالکتب العربی.
- ابن جنی، ابوالفتح عثمان. (۱۴۲۱). **سر صناعة الإعراب**. الطبعة الأولى. بیروت: دارالکتب العلمیة.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴). **لسان العرب**. بیروت: دار صادر.
- الجرجانی، علی محمد بن علی. (۱۹۸۳). **التعريفات**. تحقیق: جماعة من العلماء بإشراف الناشر. الطبعة الأولى. بیروت: دارالکتب العلمیة.
- الهی، طاهره؛ بیگدلی، الیاس؛ سلیمانی ابهری، صدیقه و اشتری، صدیقه. (۱۳۹۲). «خشتم در نگاه اسلام و روان شناسی؛ کظم غیظ چیست؟ سرکوب خشتم یا مدیریت آن». **نشریه معرفت**، شماره ۱۹۲، ۳۱-۴۶.
- پورنامداریان، تقی. (۱۳۷۴). **سفر در مه**. چاپ اول. تهران: نگاه.
- تستری، سهل بن عبدالله. (۱۴۲۳). **تفسیر القرآن العظیم**. بیروت: دارالکتب العلمیة.
- تونجی، محمد. (۱۹۹۹). **المعجم المفصل فی الأدب**. بیروت: دارالکتب العلمیة.
- جعفری، سید محمدمهدی. (۱۳۸۰). «منابع و مستندات نهج البلاغه». **مجله کتابداری**، دفتر ۳۶، ۷-۲۵.
- الخفاجی، عبدالمنعم. (۱۹۹۵). **مدارس النقد الأدبی**. بیروت: دارالعصریة اللبنانیة.
- خوش منش، ابوالفضل. (۱۳۹۴). «بررسی نظم آهنگ هجده سوره از قرآن کریم». **نشریه فرهنگ ارتباطات**، شماره ۶۲، ۱۸۵-۲۱۵.
- ----- (۱۳۷۷). «جستارهایی در زمينه نظم آهنگ قرآن». **نشریه بینات**، شماره ۲۰، ۳۶-۵۹.
- دشتی، محمد. (۱۳۸۲). **ترجمه نهج البلاغه**. چاپ پنجم. قم: انتشارات آل علی (ع).
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). **لغت نامه**. تهران: دانشگاه تهران.
- الرفعی، مصطفی صادق. (۱۹۷۳). **اعجاز القرآن و البلاغة النبویة**. الطبعة التاسعة. بیروت: دارالکتب العربیة.
- زمخشری، جارالله محمود بن عمر بن احمد. (۱۹۹۸). **الکشاف**. الطبعة الأولى. بیروت: دارالکتب العلمیة.
- سلیمی، علی. (۱۳۸۷). **النقد و الناقدون فی الأدب العربی**. چاپ اول. کرمانشاه: دانشگاه رازی.
- سید قطب. (۱۹۹۰). **النقد الأدبی؛ اصوله و مناهجه**. الطبع السادس. مصر: دارالشروق.
- الشایب، احمد. (۱۹۹۴). **اصول النقد الأدبی، الطبعة العاشرة**. القاهرة: مكتبة النهضة المصرية.
- عتیق، عبدالعزیز. (۱۹۷۲). **فی النقد الأدبی**. بیروت: دار النهضة العربیة.
- عرفان، حسن. (۱۳۸۰). **ترجمه و شرح جواهر البلاغه**. چاپ دوم. قم: نشر بلاغت.
- الفاخوری، حنا. (۱۹۸۶). **الجامع فی تاریخ الادب العربی (الأدب القديم)**. الطبعة الأولى. بیروت: دار الحیل لبنان.
- فاضلی، محمد. (۱۳۷۶). **دراسة و النقد فی مسائل بلاغیة هامة**. مشهد: دانشگاه فردوسی.
- فیض کاشانی، محسن. (۱۳۶۵). **حقایق**. ترجمه و شرح: محمداقبر ساعدی خراسانی. قم: انتشارات اسلامی.

- کهندل جهرمی، مرضیه؛ علی نژاد چمازکنی، فاطمه و میرحق جونگرودی، سعیده. (۱۳۹۰). «گذری بر زیباشناسی اسلوب ندا در قرآن کریم». **مجله مطالعات قرآنی (فدک سابق)**. شماره ۷، ۷۱-۷۷.
- معروف، یحیی. (۱۳۸۴). «الابل فی القرآن و الادب العربی». **نشریه العلوم الانسانیة الدولیة**. شماره ۱۲، ۹۹-۱۱۶.
- معماری، داود و زمردی، محمد. (۱۳۹۴). «خشم و مدیریت آن در قرآن کریم». **نشریه سراج منیر**، شماره ۱۸، ۱۱۵-۱۳۶.